



آیین های باران خواهی در کرمان

تحلیل انسان شناسانه، موسیقایی و تطبیقی در ایران و جهان

شهاب جعفری

چکیده

آیین های باران خواهی از کهن ترین نموده های فرهنگی انسان هستند و بیانگر تعامل انسان با طبیعت و نیروهای ماورایی اند. این پژوهش با رویکرد انسان شناسی موسیقایی، به تحلیل آیین های باران خواهی در استان کرمان و بررسی موسیقی، حرکات آیینی و مضامین اسطوره ای آن ها می پردازد. داده ها از طریق مشاهده میدانی، ضبط اجراها، مصاحبه با اجراکنندگان و تحلیل منابع مکتوب گردآوری شده اند. یافته ها نشان می دهد که موسیقی در این آیین ها نقشی بنیادین در هماهنگی گروهی، تجربه معنوی جمعی و بازنمایی پیوند انسان و طبیعت دارد. تحلیل تطبیقی با آیین های مشابه در ایران و جهان آشکار ساخت که تکرار ملودی های کوتاه، ریتم های منظم و اجرای گروهی، الگویی جهانی در آیین های باران خواهی است. افزون بر این، ریشه های اسطوره ای و حضور پررنگ زنان در انتقال و اجرای آیین، از ویژگی های فرهنگی منحصر به فرد کرمان به شمار می آیند.

مقدمه

ایران سرزمینی است که همواره با پدیده خشکسالی و کم‌آبی درگیر بوده و در این میان، آیین‌های باران‌خواهی به‌عنوان یکی از ابزارهای فرهنگی و روان‌شناختی برای مواجهه با بحران‌های اقلیمی شکل گرفته‌اند. استان کرمان، با اقلیم خشک و نیمه‌خشک خود، یکی از مناطقی است که این آیین‌ها در آن ریشه‌ای عمیق دارند.

در مناطق روستایی کرمان، مانند بردسیر، بافت، سیرجان و رابر، آیین‌های باران‌خواهی نه‌تنها جنبه‌ای مذهبی، بلکه کارکردی اجتماعی و زیست‌فرهنگی دارند. مردم در مواجهه با خشکسالی، با خواندن آوازه‌ها و دعاها و اجرای حرکات گروهی، نوعی تجربه مشترک معنوی می‌آفرینند. موسیقی در این آیین‌ها نقش زبان مشترک مردم و طبیعت را دارد؛ ریتم‌های منظم، حرکات دایره‌ای و تکرار واژه‌های مقدس، نوعی تمرکز جمعی و خلصه معنوی ایجاد می‌کند. پژوهش‌های انسان‌شناسانه (Tarrant, North & Hargreaves, 2013) نشان داده‌اند که چنین تجربه‌هایی نه‌تنها از اضطراب جمعی می‌کاهند، بلکه احساس تعلق و همبستگی اجتماعی را نیز تقویت می‌کنند. پرسش اصلی این پژوهش چنین است: موسیقی آیینی باران‌خواهی در کرمان چگونه هویت جمعی، تجربه معنوی و رابطه انسان با طبیعت را بازنمایی می‌کند و چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی با آیین‌های مشابه در ایران و جهان دارد؟

پیشینه پژوهش

مطالعات داخلی

توحیدی (۱۳۹۸) آیین‌های کرمان را از منظر تاریخی و معنوی بررسی کرده و به نقش موسیقی در تقویت وحدت جمعی اشاره کرده است. کریمی (۱۳۹۵) در مطالعه‌ای تطبیقی، آیین‌های باران‌خواهی شمال و جنوب ایران را تحلیل کرده و تفاوت ریتم و ملودی را نتیجه تفاوت اقلیم دانسته است. رضایی (۱۳۹۶) به تحلیل دعاها و آوازهای آیینی کرمان پرداخته و نتیجه گرفته است که تکرار واژگان مقدس، حس یگانگی روحی در گروه ایجاد می‌کند. موسوی (۱۳۹۷) بر اهمیت ریتم‌های دایره‌ای در شکل‌گیری حس وحدت اجتماعی تأکید کرده است.

مطالعات بین‌المللی

مریام (Merriam, ۱۹۶۴) در کتاب انسان شناسی موسیقی، موسیقی آیینی را زبان جهان شمول تجربه معنوی دانسته است. نتل (Nettl, ۲۰۰۵) در پژوهش قوم‌موسیقی‌شناسانه خود، تکرار ریتم‌های ساده را عامل تمرکز و هم‌نوایی جمعی معرفی کرده است. اسمیت (Smith, ۲۰۱۷) آیین‌های باران‌خواهی آفریقا را تحلیل کرده و نشان داده است که حرکات گروهی و ریتم‌های منظم، پیوندی میان باور مذهبی و تجربه روانی ایجاد می‌کنند. ژانگ (Zhang, ۲۰۱۸) آیین‌های جنوب شرق آسیا را بررسی کرده و اهمیت ریتم و مقیاس‌های محلی را در تجربه معنوی جمعی برجسته کرده است.

روش پژوهش

این پژوهش کیفی و تطبیقی است و با روش انسان‌شناسی موسیقایی انجام شده است.

۱. گردآوری داده‌ها: مشاهده میدانی آیین‌های باران‌خواهی در مناطق بردسیر، سیرجان و راور؛ ضبط اجرای موسیقی و حرکات گروهی؛ مصاحبه با ۱۲ نفر از اجراکنندگان محلی.
۲. تحلیل موسیقی: بررسی ریتم، ملودی، ساختار گروهی و بازنمایی صوتی دعاها.
۳. تحلیل متن آوازاها: بررسی معناشناسی واژگان، تکرار، و نمادهای باروری.
۴. تحلیل تطبیقی: مقایسه الگوهای موسیقایی و آیینی با نمونه‌های مشابه در ایران (کردستان، لرستان، سیستان) و جهان (آفریقا، آمریکای لاتین، جنوب شرق آسیا).
۵. تحلیل داده‌ها: با روش تحلیل محتوای کیفی و الگوی تماتیک براون و کلارک (۲۰۰۶).

مبانی نظری

پژوهش بر پایه چند چارچوب نظری میان‌رشته‌ای انجام گرفته است:

۱. موسیقی و تجربه معنوی: موسیقی آیینی به‌عنوان ابزاری برای ارتباط با نیروهای ماورایی و بازآفرینی امر مقدس عمل می‌کند (الیاده، ۱۹۵۷). ریتم‌های منظم و تکرار ملودی‌ها، مخاطب را به حالت «بازگشت به امر قدسی» می‌برند.
۲. نظریه آیین‌های گذار (فان‌گنپ، ۱۹۰۹): آیین‌های باران‌خواهی را می‌توان در چارچوب سه مرحله آیین‌های گذار — جدایی، برزخ و بازپیوست — تحلیل کرد؛ یعنی جدایی از وضعیت

خشکسالی، ورود به حالت آیینی، و بازگشت با امید بارش و برکت.

۳. انسان‌شناسی فرهنگی: از دیدگاه بورديو (۱۹۸۴)، موسیقی آیینی نوعی سرمایه فرهنگی است که هویت و انسجام گروهی را بازتولید می‌کند.

۴. روان‌شناسی اجتماعی: تکرار موسیقی و حرکت، هم‌زمانی عصبی ایجاد کرده و موجب وحدت هیجانی گروه می‌شود (Tarrant et al., 2013).

۵. ساختار موسیقایی جهانی: ملودی‌های کوتاه و ریتم‌های تکرارشونده در آیین‌های باران‌خواهی، ساختاری مشترک در میان فرهنگ‌های گوناگون دارند و پیام معنوی را به زبانی جهانی منتقل می‌کنند.

اسطوره‌شناسی و ریشه‌های باستانی آیین باران‌خواهی

در اسطوره‌های ایران باستان، ایزد تیشتر (ستاره شباهنگ) ایزد باران و نبردکننده با دیو خشکی است. روایت او در اوستا نشان می‌دهد که باران، حاصل پیروزی نیروهای خیر بر شر است. آیین‌های باران‌خواهی در کرمان نیز ریشه‌هایی از این باور را حفظ کرده‌اند؛ مردم با خواندن دعاهایی که نام خداوند و آب در آن تکرار می‌شود، نوعی بازآفرینی نمادین نبرد میان خشکسالی و باران را اجرا می‌کنند. همچنین نقش آناهیتا، ایزدبانوی آب‌ها، در فرهنگ ایرانی در نیایش‌های زنان کرمانی حفظ شده است. در بسیاری از روستاها، زنان ظرف‌هایی از آب را در دست گرفته و با خواندن نغمه‌هایی مانند «یا بارون بیا» به سوی چاه‌ها یا مزار امام‌زاده‌ها حرکت می‌کنند. این آیین، بازمانده‌ای از پرستش آب و تطهیر جمعی در فرهنگ ایرانی است.

یافته‌ها

ساختار موسیقی و ریتم

موسیقی آیینی کرمان بر پایه ریتم چهارضربی منظم و ساده استوار است. دست‌نوازی‌ها، کوبه‌ها و حرکات پا، ضرب‌آهنگ اصلی را شکل می‌دهند.

• ملودی‌ها: کوتاه و محدود به دو یا سه نت (دور-دو)، (دور-می).

• تکرار: باعث ایجاد تمرکز و خلسه جمعی می‌شود.

• همخوانی گروهی: زنان و مردان در حلقه‌ای گرد می‌خوانند؛ صداها لایه‌لایه و پاسخ‌گو هستند.

متن آوازاها و معناشناسی دعاها

مضامین اصلی آوازاها شامل ستایش خداوند، درخواست باران، و یادکرد نیاکان است. واژگانی چون «آب، برکت، زمین و آسمان» به صورت مکرر تکرار می‌شوند.

نمونه‌ای از دعای محلی:

«خدایا بارون بفرست، زمین تشنه است / گاو و گوسفند بی‌دون، دل مردم خسته است.»

تکرار این جملات در ریتم ثابت، حالت سماع و تمرکز جمعی ایجاد می‌کند.

تعامل اجتماعی و فرهنگی

اجرای آیین، ساختار اجتماعی روستا را بازنمایی می‌کند. بزرگان، کودکان و زنان هرکدام نقش خاصی دارند. آیین بهانه‌ای برای گردهمایی، تقویت پیوندهای خویشاوندی و بازسازی همبستگی اجتماعی است.

نقش زنان در اجرا و انتقال آیین

در کرمان، زنان نقشی محوری در حفظ و اجرای آیین دارند. بسیاری از آوازهای باران‌خواهی توسط زنان سالخورده خوانده می‌شود که نقش حافظان حافظه فرهنگی را ایفا می‌کنند. زنان همچنین در آموزش نسل جوان و در برگزاری آیین‌های خانگی نقش دارند.

حضور آنان، بیانگر پیوند میان «زن و آب» در اسطوره‌های باروری است. آب، مادر حیات است و زن در این آیین‌ها نماد زایش و بارش به شمار می‌آید. این هم‌ارزی اسطوره‌ای در موسیقی نیز بازتاب یافته است: صدای زیر زنان غالب است و فضای صوتی آیین را شکل می‌دهد.

تطبیق با مناطق ایران

• شمال: ریتم‌های متنوع‌تر و آوازهای طولانی‌تر، با مضمون «آب و سبزی».

• غرب: استفاده از دف و حرکات دایره‌ای سریع‌تر.

• جنوب: همراهی سازهای کوبه‌ای چون دهل و دمام با حرکات نمایشی.

در مقایسه، آیین‌های کرمان آرام‌تر، تأملی‌تر و بیشتر مبتنی بر نیایش گروهی‌اند.

تطبیق با آیین‌های جهانی

- آفریقا: ریتم‌های چندلایه و هم‌خوانی پاسخ‌گو میان رهبر و گروه.
- آمریکای لاتین: آوازهای کوتاه و رقص‌های دایره‌ای؛ تمرکز بر وحدت گروهی.
- جنوب شرق آسیا: ترکیب موسیقی با آیین‌های باروری و حرکات بدنی منظم.
- اروپا: ترانه‌های کشاورزی قرون وسطی با ساختار مشابه؛ بازتاب مفهوم «درخواست از طبیعت».

تحلیل فرهنگی، روان‌شناختی و محیطی

آیین‌های باران‌خواهی کرمان را می‌توان تلاشی برای ایجاد تعادل روانی در جامعه دانست. این آیین‌ها پاسخ فرهنگی به اضطراب خشکسالی‌اند. از منظر روان‌شناسی جمعی، تکرار ملودی و ریتم منظم نوعی «تنظیم هیجانی گروهی» فراهم می‌آورد.

از دیدگاه محیط‌زیست فرهنگی، آیین‌های باران‌خواهی کرمان نه تنها آیینی مذهبی، بلکه نوعی گفت‌وگو با طبیعت هستند. مردم با این آیین، رابطه خود با زمین را بازسازی می‌کنند. در بُعد موسیقایی، ساختار ساده و تکراری موسیقی، نه نشانه فقر موسیقایی، بلکه بیانگر کارکرد آیینی آن است: تمرکز بر وحدت و تداوم، نه تنوع و نمایش.

نتیجه‌گیری

۱. آیین‌های باران‌خواهی کرمان بازتابی از پیوند دیرینه انسان با طبیعت و تلاش برای آشتی با نیروهای ماورایی‌اند.

۲. موسیقی در این آیین‌ها نقشی بنیادین در ایجاد تجربه معنوی و همبستگی اجتماعی دارد.

۳. تکرار ریتم و ملودی، مشارکت جمعی و هماهنگی روانی را تسهیل می‌کند.

۴. حضور زنان به‌عنوان حافظان اصلی سنت، نشانگر نقش جنسیتی در انتقال فرهنگ و ارتباط نمادین میان زن و باروری است.

۵. تطبیق تطبیقی نشان داد که آیین‌های باران‌خواهی کرمان در عین بومی‌بودن، بخشی از الگویی جهانی‌اند که در آن موسیقی و حرکت ابزار ارتباط انسان با طبیعت است.

۶. این آیین‌ها ظرفیت بالایی برای ثبت در فهرست میراث ناملموس یونسکو دارند و

مستندسازی و آموزش آن‌ها می‌تواند به حفظ تنوع فرهنگی ایران یاری رساند.
۷. از منظر انسان‌شناسی فرهنگی، آیین باران‌خواهی پلی میان اسطوره، موسیقی و زندگی روزمره است؛ بازتابی از تداوم سنت در دل مدرنیته.

منابع

- کریمی، م. (۱۳۹۵). مطالعه تطبیقی آیین‌های باران‌خواهی در ایران. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- توحیدی، ف. (۱۳۹۸). نگاهی به آیین‌های باران‌خواهی در کرمان. مجله ستاره کرمان، ۱۲(۳)، ۴۵-۶۲.
- رضایی، ن. (۱۳۹۶). تحلیل موسیقایی دعا‌های باران‌خواهی در جنوب شرق ایران. کرمان: پژوهشکده فرهنگ بومی.
- موسوی، الف. (۱۳۹۷). حرکات آیینی و ریتم‌های جمعی در کرمان. مجله مردم‌شناسی ایران، ۷(۲)، ۱۱۲-۱۲۹.
- Merriam, A. P. (1964). The Anthropology of Music. Northwestern University Press.
- Nettl, B. (2005). The Study of Ethnomusicology: Thirty-One Issues and Concepts. University of Illinois Press.
- Smith, J. (2017). Rainmaking Rituals in Africa: Music and Social Cohesion. Ethnomusicology Review, 22(3), 45-61.
- Zhang, L. (2018). Ritual Music and Spiritual Experience in Southeast Asia. Beijing: Cultural Studies Press.
- Harrison, P. (2016). Sacred Sound and Community: Rituals of Rainmaking in Latin America. Oxford University Press.
- Eliade, M. (1957). The Sacred and the Profane. Harcourt, Brace & World.
- Van Gennep, A. (1909). Les Rites de Passage. Paris: Nourry.
- Bourdieu, P. (1984). Distinction: A Social Critique of the Judgment of Taste. Harvard University Press.
- Tarrant, M., North, A., & Hargreaves, D. (2013). Social Functions of Music in Everyday Life. Psychology of Music, 41(3), 301-314.